



Marital Conflict, Resilience and Structure of Power Distribution in the Family as Predictors of the Marital Quality of Women with Military Spouses: A Discriminant Study

Amin Koraei¹ | Parisa Pirsaghi²

Abstract

The quality of marital relations has received the attention of mental health experts due to the important role it has on the psychological health of couples. The purpose of this study was to determine the role of marital conflicts, resilience and the components of the power distribution structure in the family in predicting the marital quality of women with military spouses. The research population was women with an official military spouse of one of the military organizations based in Khuzestan province, a sample of 188 married women (94 with high marital quality and 94 with low marital quality) participated in the present study through randomized sampling. This study was a correlational research and was designed with the aim of predicting group membership and achieving a discriminant equation. In order to analyze the data both descriptive statistics and discriminant analysis were utilized. The participants answered the Marital Conflicts Questionnaire (Sanaei Zaker, 2007), the Resilience Scale (Connor & Davidson, 2003), the Family Power Distribution Questionnaire (Mahdavi & Sabouri Khosrowshahi, 2008), and the Marital Quality Index (Norton, 1983). The results obtained by Enter discriminant analysis confirmed hypothesis of this study based on predicting the marital quality of women with military spouses based on marital conflicts, resilience and the structure of power distribution in the family (the component of the methods of exercising power, the component of the structure of power in the family and the component of domain and territory of power). Also, the stepwise discriminant analysis indicated that all 5 variables, respectively, the component of the methods of exercising power, marital conflicts, the component of the power structure in the family, the component of the domain and territory of power and resilience are the most powerful predictors of high and low marital quality among these women. Based on the findings, it can be concluded that marital conflicts, resilience and power distribution structure in the family play an important role in the marital quality of women with military spouses.

Keywords: Marital Conflict, Resilience, Structure of Power Distribution in the Family, Marital Quality, Women with Military Spouses, Discriminant Study.

DOR: 20.1001.1.25885162.1402.14.53.7.6

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of educational Sciences and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. am.koraei@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of educational Sciences and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

تعارضات زناشویی، تاب‌آوری و ساختار توزیع قدرت در خانواده به عنوان پیش‌بین‌های کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی: یک تحلیل تشخیصی

امین کرایبی^۱ پریسا پیرساقی^۲

۵۳

سال چهاردهم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۷/۰۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۱۰/۲۵
صص: ۱۷۲-۱۵۱

شاپا چاپ: ۵۱۶۲-۲۵۸۸
الکترونیکی: ۵۱۷-۲۶۴۵



چکیده

کیفیت روابط زناشویی به واسطه‌ی نقش مهمی که بر سلامت روانشناختی زوج‌ها دارد، مورد توجه متخصصان بهداشت روانی قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر تعیین نقش تعارضات زناشویی، تاب‌آوری و مؤلفه‌های ساختار توزیع قدرت در خانواده در پیش‌بینی کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی بود. جامعه‌ی مورد پژوهش زنان دارای همسر نظامی رسمی یکی از سازمان‌های نظامی مستقر در استان خوزستان بود که نمونه‌ای شامل ۱۸۸ زن به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (۹۴ نفر کیفیت زناشویی بالا و ۹۴ نفر کیفیت زناشویی پایین) انتخاب شدند. پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی و از نوع پیش‌بینی است که با هدف پیش‌بینی عضویت گروهی و دستیابی به معادله‌ی تشخیصی (ممیز) طراحی شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و تحلیل تشخیصی استفاده شد. شرکت‌کنندگان، پرسشنامه تعارضات زناشویی (ثنایی ذاکر، ۱۳۸۷)، مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، پرسشنامه توزیع قدرت در خانواده مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) و شاخص کیفیت زناشویی نورتون (۱۹۸۳) را پاسخ دادند. نتایج به‌دست آمده با روش تحلیل تشخیصی همزمان، فرض پژوهش مبنی بر پیش‌بینی کیفیت زناشویی بر اساس تعارضات زناشویی، تاب‌آوری و ساختار توزیع قدرت در خانواده (مؤلفه‌های شیوه‌های اعمال قدرت، ساختار قدرت در خانواده و حوزه و قلمرو قدرت) را تأیید کرد. همچنین، نتایج تحلیل تشخیصی با روش گام‌به‌گام نشان داد که هر ۵ متغیر و به ترتیب شیوه‌های اعمال قدرت، تعارضات زناشویی، ساختار قدرت در خانواده، حوزه و قلمرو قدرت و تاب‌آوری قوی‌ترین پیش‌بین‌های کیفیت زناشویی بالا و پایین این زنان هستند ($p < 0.05$). بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که تعارضات زناشویی، تاب‌آوری و ساختار توزیع قدرت در خانواده نقش مهمی در کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی دارد. کلیدواژه‌ها: تعارضات زناشویی، تاب‌آوری، ساختار توزیع قدرت در خانواده، کیفیت زناشویی، زنان دارای همسر نظامی، تحلیل تشخیصی.

DOR: 20.1001.1.25885162.1402.14.53.7.6

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. am.koraei@gmail.com

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

مقدمه

ارتش، محیط کاری سختی محسوب می‌شود که فشارهای روانی متعددی برای اعضای خود در پی دارد؛ منابعی که بسیاری از آنها توانایی تأثیرگذاری بر روابط و زندگی خانوادگی را نیز دارا هستند (لانگ^۱، ۲۰۲۲). اگرچه فراوانی و شدت مشکلات تجربه شده در طول حرفه‌ی نظامی‌گری ممکن است متفاوت باشد؛ اما، نیروهای نظامی و خانواده‌های آنها، تقریباً تمامی این مشکلات را در طول فرآیند کار، تجربه خواهند کرد. احتمال مجروح شدن یا مرگ نیروهای نظامی در حین انجام وظیفه، جابجایی به دلیل مأموریت، جدا شدن از خانواده به دلیل وظایف کاری، یا زندگی در شهرها و کشورهای مختلف، مواردی است که نهاد نظامی از نظامی‌ها و خانواده‌های آنها درخواست می‌کند (سیلان و باشپینار^۲، ۲۰۲۲) و از آنها انتظار دارد که در انطباق با خواسته‌ها و انتظارات نهادهای نظامی و نیز انجام وظایف محوله به آنان، از ارتش حمایت کنند. پژوهش‌ها نیز قویاً تأیید کرده‌اند که چالش‌های خدمت نظامی مانند ساعات طولانی دوری از خانواده به علت کار و آموزش، تغییر مکان‌های جغرافیایی مکرر و پیامدهای روانشناختی و هیجانی اعزام به مأموریت، بر کل نظام خانواده تأثیر می‌گذارد (چارتراند^۳ و همکاران، ۲۰۰۸).

فشارهایی که شوهران نظامی در محیط کار دریافت می‌کنند، رضایت آنها و همسرانشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آلن، رودز، استنلی و مارکمن، ۲۰۱۱، به نقل از مرادی و کشاورز افشار، ۱۴۰۰). توانایی یک زوج برای انطباق با عوامل فشارزای اصلی می‌تواند با شکل‌گیری ویژگی‌های رابطه زناشویی از جمله کیفیت زناشویی^۴ در ارتباط باشد (بولاندا^۵ و همکاران، ۲۰۱۶)؛ چرا که کیفیت روابط زناشویی و میزان شادمانی، تابع نحوه‌ی تعامل زن و شوهر و روش‌های مواجهه آنها با موقعیت‌های تنش‌زای زندگی است (کراولی^۶، ۲۰۱۰). کیفیت روابط زناشویی مفهومی چند بعدی است و جنبه‌های مختلفی از رابطه‌ی زوجها مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد را شامل می‌شود (تروکسل^۷، ۲۰۰۶). کاستر^۸ (۲۰۰۹) کیفیت رابطه زناشویی را احساس کلی

1. Long
2. Ceylan & Başpınar
3. Chartrand
4. Marital Quality
5. Bulanda
6. Crowley
7. Troxel
8. Custer

زن و شوهر از شادمانی و رضایت از زندگی یا به عبارتی، نگرشی که افراد نسبت به رابطه زناشویی خود دارند، تعریف می‌کند.

ازدواج که تجارب مشترکی را بین زن و شوهر ایجاد می‌کند، گاهی ممکن است منجر به بروز اختلافاتی در روابط زناشویی شود (بیم^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). فینچام و بیچ^۲ (۲۰۰۷) کیفیت زناشویی را لزوماً مخالف اختلاف زناشویی ندانسته، آن را مفهومی متشکل از ابعاد مثبت (شامل شادکامی و تعاملات زناشویی مثبت) و ابعاد منفی (شامل تعارضات و نگرش‌های منفی) می‌دانند که همزمان در روابط بین زوج‌ها وجود دارد. در واقع، تعارض و اختلاف، قلب روابط عاشقانه است (ها^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). در تعریف تعارض زناشویی می‌توان گفت فرایندی تعاملی است که در آن، یکی یا هر دو همسر در مورد جنبه‌هایی از رابطه خود احساس ناراحتی می‌کنند و می‌کوشند به طریقی آن را حل کنند. به علاوه، تعارض در روابط وقتی بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر هماهنگ نباشد (دیویس^۴، ۱۹۹۹؛ ترجمه بهاری، ۱۳۸۲). بنابراین، زوج‌ها فراز و نشیب‌های زیادی را در زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند. همان‌طور که هرگز در هیچ زمینه‌ای از زندگی کمال وجود ندارد، ازدواج نیز از این قاعده مستثنا نیست. وجود تعارض نه تنها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه تا اندازه‌ای برای جریان مستمر عشق و عاطفه ضروری است. البته در صورتی که اختلافات موجود به درستی مدیریت نشود، ممکن است به خواسته‌های برآورده نشده، نارضایتی و مشکلات روان‌شناختی از قبیل افسردگی، خشم، و نگرانی منجر گردد (دیلدار^۵ و همکاران، ۲۰۱۳). دلاتوره^۶ و همکاران (۲۰۲۲) معتقدند همسرانی که خونگرم‌تر، مشارکت‌کننده‌تر و خودکنترل‌گرتر هستند و حمایت اجتماعی بیشتری دریافت می‌کنند، تمایل دارند تعارض‌ها را به طور سازنده‌تری مدیریت کنند و بنابراین، به احتمال زیاد از کیفیت زناشویی بهتری برخوردارند. بطور کلی، بخش قابل توجهی از کیفیت زناشویی زوج‌ها بستگی به مهارت آنان در مدیریت تنش‌های زندگی روزمره و مقابله کارآمد با مسائل به وجود آمده در زندگی زناشویی دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که زوج‌ها برای ایجاد رضایت و پایداری در رابطه خود باید به دنبال روش‌هایی

1. Beam
2. Fincham & Beach
3. Ha
4. David
5. Dildar
6. Delatorre

برای تعدیل و حل اختلافات زناشویی باشند. جاودان و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که میزان تفاهم زوج‌های دچار تعارض هم به صورت مستقیم و هم بصورت غیرمستقیم از طریق کیفیت زندگی با رضایت زناشویی همبستگی دارد. موسوی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی نشان داد مؤلفه‌های تعامل و شیوه‌های حل تعارض می‌تواند به عنوان پیش‌بین‌های ابعاد کیفیت زناشویی به کار رود. همچنین، واگنر^۱ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی تعارض‌های زناشویی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کیفیت زناشویی با نحوه حل تعارضات زوج‌ها مرتبط است. یکی از عواملی که می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی و افزایش کیفیت زناشویی نقش فعالی را ایفا کند، تاب‌آوری است. تاب‌آوری خانواده یک چارچوب نظری برای فهم ظرفیت خانواده‌ها در مواجهه شدن با بحران‌ها، چالش‌ها، ناراحتی‌ها، حل موفقیت‌آمیز آنها و سازگاری فراهم می‌کند. وقتی یک بحران یا فشار روانی وارد خانواده می‌شود، اعضا سعی می‌کنند بین نیازها و ظرفیت‌هایشان تعادل برقرار کنند (ون و هانلی^۲، ۲۰۱۵). تاب‌آوری نشانگر سرسختی بوده و به این معنی است که افراد در شرایط سخت، چقدر سازنده عمل می‌کنند. افراد با سطح تاب‌آوری بالا، قادر هستند که در مواجهه با شرایط و رویدادهای ناخوشایند و تنش‌آمیز، به تلاش و مقابله‌ی کارآمد خود ادامه دهند تا با پشت سر گذاشتن مراحل سخت زندگی، به موفقیت برسند (هولز^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات بسیاری به بررسی نقش تاب‌آوری در رابطه زناشویی پرداخته‌اند. در مطالعه‌ی پناهی و فاتحی‌زاده^۴ (۲۰۱۴) نشان دادند که هرچه تاب‌آوری افزایش یابد، کیفیت زندگی زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. عیسی نژاد و حیدریان (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش تاب‌آوری بر کیفیت زناشویی و تاب‌آوری خانواده آزادگان جنگ تحمیلی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد آموزش تاب‌آوری می‌تواند بر ارتقای کیفیت زناشویی و تاب‌آوری خانواده آزادگان اثرگذار باشد. در مطالعه‌ی دیگری، عباسی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که کیفیت زندگی و تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی رابطه منفی دارد. همچنین، در مطالعه‌ی نقش تاب‌آوری رابطه‌ای به عنوان عامل محافظتی در سازگاری زناشویی زوج‌های

1. Wagner
2. Wen & Hanley
3. Holz
4. Panahi & Fatehizadeh

مبتلا به سرطان، سیهان و آیدوغان^۱ (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیدند که تاب‌آوری زن و شوهر در مواجهه با سرطان، تأثیر مثبت و مهمی بر سازگاری زناشویی دارد. بردلی و حجت^۲ (۲۰۱۷) به بررسی نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط از جمله دلبستگی به همسر با رضایت زناشویی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تاب‌آوری بر رضایت زناشویی تأثیر مستقیم دارد. در پژوهشی دیگر، مطهری و همکاران (۱۳۹۲) به تبیین سطح تعارض زناشویی بر اساس هیجان‌خواهی و تاب‌آوری در زوج‌ها پرداختند و نشان دادند که تاب‌آوری با تعارض زناشویی ارتباط دارد و به همراه هیجان‌خواهی، ۶۰ درصد از واریانس تعارض زناشویی در زوج‌ها را تبیین می‌کند.

موضوع حائز اهمیت دیگر در روابط خانوادگی و زناشویی، ساختار توزیع قدرت در خانواده است. معنای عام قدرت، توانایی کنترل بر رفتار سایر افراد به رغم میل آنها است. قدرت در خانواده، به قدرت در تصمیم‌گیری‌ها معطوف است؛ بدین معنا که هنگام تصمیم‌گیری در امور فرزندان، امور اجتماعی، اقتصادی و غیره چه کسی حرف آخر را می‌زند (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). ساختار قدرت در خانواده، درباره الگوهای روابط حاکم بر خانواده و تصمیم‌گیری زوج‌ها در مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و عاطفی و غیره بحث می‌کند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). در الگوهای سنتی، قوانین مشخصی در مورد وظایف زن و مرد و انجام فعالیت‌های مربوط به زندگی زناشویی وجود داشت و در واقع از پیش تعیین شده بود. ولی افزایش میزان تحصیلات افراد خصوصاً زنان، افزایش اشتغال و ورود زنان به جامعه و داشتن مشارکت اجتماعی از جمله عواملی است که الگوهای سنتی خانواده را تحت تأثیر قرار داده و بر تغییر ساختار خانواده و توزیع قدرت در خانواده تأثیر بسیار داشته است (اسپری و همکاران، ۲۰۰۹، به نقل از بخشی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). اشکال مختلف برنامه‌ریزی در خانواده از نظر مالی، هزینه‌ها، نیازهای اعضا و مواردی از این قبیل می‌تواند خانواده را به بهره‌وری مطلوب و سلامت بیشتر سوق دهد و این جز با مشارکت و همکاری زن و شوهر میسر نمی‌گردد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). تاورمینا^۳ (۱۹۷۸)، به نقل از مهدوی و صبوری خسروشاهی، (۱۳۸۲)، ساختار توزیع قدرت در خانواده را بر مبنای

1. Cihan & Aydogan

2. Bradley & Hojjat

3. Tavormina

اینکه چه کسی در امور مهم و اساسی تصمیم‌گیرنده است، به سه الگو تقسیم نموده که عبارتند از حاکمیت مرد یا مردسالار، حاکمیت زن یا زن‌سالار و مشارکتی. منظور از نوع خانواده مردسالار، خانواده‌ای است که قدرت تصمیم‌گیری، مدیریت و کنترل در اختیار مرد خانه است و به دنبال آن بهترین و بیشترین امکانات در اختیار او است. خانواده زن‌سالار، خانواده‌ای است که در آن، زن تصمیم‌گیرنده است و مدیریت خانه در اختیار اوست. در خانواده‌هایی که از نوع مشارکتی است، همه اعضا دارای اهمیت هستند با این تفاوت که هر یک مسئولیتی در حد سن و امکانات خود دارند و در تصمیم‌گیری‌ها غالباً همه نقش دارند. در چنین فضا و موقعیتی، افراد با هم و در کنار یکدیگر رشد طبیعی خواهند کرد (منادی، ۱۳۹۱). مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) با جمع‌بندی نظریات مختلف مطرح شده در زمینه مسئله توزیع قدرت در خانواده، آن را به سه بعد؛ شامل حوزه قدرت (امور اقتصادی، روابط اجتماعی، و تربیت فرزند)، ساخت قدرت (نامتقارن یا نابرابرانه، متقارن یا برابرانه) و شیوه اعمال قدرت (مجبازسازی و مجبورسازی) تقسیم نمودند. منظور از ساخت قدرت در خانواده، ویژگی یک طرفه یا دوطرفه بودن قدرت در خانواده است. به عبارتی، میزان تشریک مساعی زن و شوهر در تصمیم‌گیری‌ها در امور زندگی را به عنوان شاخص اصلی آن در نظر می‌گیرند (مختاری و کردی‌پور، ۱۳۹۱). حوزه و قلمرو قدرت در خانواده نیز مربوط به حوزه‌های تصمیم‌گیری زوج‌ها در امور زندگی است (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). منظور از شیوه اعمال قدرت نیز استفاده از روش‌های مجبازسازی یا مجبورسازی در اعمال قدرت در حوزه‌های مختلف مربوط به زندگی زناشویی است. نگاهی کلی به پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه ساختار قدرت در خانواده نشان می‌دهد که بین ابعاد ساختار قدرت در خانواده با سازگاری زناشویی (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴)، تعارضات زناشویی (امانی، ۱۳۹۴)، سلامت روان (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴) و ناپایداری خانواده (جعفرزاده‌پور، ۱۴۰۰) رابطه وجود دارد.

گافمن (۲۰۰۱) تحقیقی تحت عنوان بررسی ارتباط ساختار قدرت در خانواده و میزان اضطراب و تنش زوج‌ها بر روی جمعیت ۳۰۰ نفری انجام داد. وی به این نتیجه رسید که در خانواده‌هایی که ساختار قدرت به صورت مشارکتی است، تنش و اضطراب بین زن و شوهر کم است و در نتیجه احساس رضایت از زندگی بیشتری دارند. وی در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که در خانواده‌هایی که قدرت تنها در دست زن یا مرد است، طرف ضعیف و فاقد قدرت از اضطراب و

تنش زیادی رنج می‌برد اما در خانواده‌های دموکراتیک این تنش بسیار کم است (به نقل از مختاری و کردی‌پور، ۱۳۹۱). سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) به تبیین ارتباط انسجام خانواده و ساختار توزیع قدرت در آن پرداختند. نتایج بررسی این پژوهشگران نشان داد ساختار توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر معناداری بر انسجام آن دارد. به صورتی که گسترش ساختار دموکراتیک و مشارکتی در خانواده سبب افزایش انسجام خانواده در همه ابعاد آن می‌شود. پژوهش خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان داد بین سازگاری زناشویی و ابعاد ساختار قدرت در خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد و ابعاد مختلف ساختار قدرت، توان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را دارند. همچنین زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند بین ساختار قدرت در خانواده و عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

انجام چنین پژوهش‌هایی به منظور شناسایی عواملی که در پیش‌بینی کیفیت زناشویی زوج‌ها نقش دارند، می‌تواند در توسعه مداخلات به موقع و مؤثر برای حفظ یا بهبود کیفیت رابطه زناشویی و برخورداری از ازدواج‌های باکیفیت و پایدار یاری‌گر باشد. از آنجا که افراد شاغل در مشاغل نظامی، به دلیل شرایط شغلی محل کار، مستعد فشارهای شغلی و مشکلات سلامتی عمده‌ای هستند که ممکن است تأثیر منفی بر عملکرد زناشویی آنان گذارد و پیامدهایی برای بهزیستی همسران این افراد در پی داشته باشد، پژوهش حاضر به تعیین نقش تعارضات زناشویی، تاب‌آوری و مؤلفه‌های ساختار توزیع قدرت در خانواده به عنوان پیش‌بین‌های کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی با استفاده از یک تحلیل تشخیصی (ممیز) می‌پردازد.

روش

روش پژوهش حاضر، همبستگی از نوع تحلیل تشخیصی (ممیز) است و با هدف پیش‌بینی عضویت گروهی (کیفیت زناشویی بالا و پایین) و دستیابی به معادله تشخیصی (ممیز) طراحی شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان دارای همسر نظامی رسمی یکی از سازمان‌های نظامی مستقر در استان خوزستان بود که نمونه‌ای به حجم ۲۲۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. پس از انتخاب این زنان و تکمیل ابزارهای پژوهش، بر اساس نمره کسب شده در پرسشنامه کیفیت زناشویی نمونه، ۱۸۸ نفر از اعضای نمونه به دو گروه کیفیت زناشویی بالا (نمره

بالاتر از میانه) و گروه کیفیت زناشویی پایین (نمره پایین‌تر از میانه) تقسیم شدند (هر گروه ۹۴ نفر). ۳۲ نفر از زنان نیز نمره برابر میانه کسب کردند که در هیچ کدام از گروه‌ها قرار نگرفتند و در تحلیل نهایی حذف شدند. میانگین (و انحراف استاندارد) سن این زنان و شوهرانشان در گروه کیفیت زناشویی بالا به ترتیب $31/23 \pm (41/3)$ و $38/08 \pm (06/3)$ و در گروه کیفیت زناشویی پایین به ترتیب $32/88 \pm (94/2)$ و $38/80 \pm (27/3)$ ، میانگین (و انحراف استاندارد) مدت ازدواج و تعداد فرزندان اعضای نمونه نیز در گروه کیفیت زناشویی بالا به ترتیب $7/86 \pm (08/4)$ و $1/03 \pm (55/0)$ و در گروه کیفیت زناشویی پایین به ترتیب $8/12 \pm (94/3)$ و $0/96 \pm (51/0)$ می‌باشد؛ دامنه تحصیلات شرکت‌کنندگان هر دو گروه نیز از مدرک تحصیلی دیپلم تا کارشناسی ارشد بود.

ابزار اندازه‌گیری پژوهش

پرسشنامه‌ی تعارضات زناشویی: ثنایی‌ذاکر (۱۳۸۷) با هدف سنجیدن هفت بعد اصلی تعارضات زوج‌ها این پرسشنامه را که شامل ۴۲ پرسش بوده و بر مبنای تجربیات بالینی زوجین بود، تدوین کرد. هفت بعد تعارضات زناشویی مورد سنجش شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر را می‌باشد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از صفر (هرگز) تا ۵ (همیشه) انجام می‌شود که بر این اساس کمترین و بیشترین نمره در پژوهش به ترتیب ۴۲ و ۲۱۰ می‌باشد و نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر در رابطه‌ی زناشویی می‌باشد. پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. ثنایی‌ذاکر (۱۳۸۷)، پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶ گزارش کرد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۲ به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری: مقیاس تاب‌آوری^۱ کانر و دیویدسون^۲ (۲۰۰۳) ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (هرگز) تا چهار (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. بر این اساس کمترین و بیشترین نمره در پژوهش به ترتیب ۰ و ۱۰۰ می‌باشد که نمرات بالاتر نشان دهنده‌ی تاب‌آوری

1. Resilience Scale
2. Connor & Davidson

بیشتر شخص است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و پایایی بازآزمایی آن را ۰/۸۷ گزارش نمودند. همچنین روایی همزمان آن با پرسشنامه سرسختی کوباسا^۱ را ۰/۸۳ گزارش نمودند. به علاوه، رابطه‌ی این مقیاس با مقیاس استرس ادارک شده^۲ مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که ارتباط منفی معنی داری بین این دو ابزار وجود دارد ($r = -0/76$). در پژوهش حاضر ضریب پایایی این مقیاس با روش الفای کرونباخ برابر ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه ساختار توزیع قدرت در خانواده: پرسشنامه ساختار توزیع قدرت در خانواده

مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) دارای ۳۶ سؤال است که سه بعد ساختار قدرت (۱۲ سؤال)، حوزه و قلمروی قدرت (۱۴ سؤال) و شیوه‌ی اعمال قدرت در خانواده (۱۰ سؤال) را اندازه گیری می‌کند. نمره گذاری این پرسشنامه در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای بین کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) صورت می‌گیرد. نمره بالاتر در خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه به ترتیب نشان دهنده از ۱۲ تا ۶۰ است که نمرات بالاتر نشان دهنده‌ی یک طرفه بودن قدرت در خانواده، تنوع بیشتر حوزه‌های اعمال قدرت و مجبورسازی بیشتر از سوی فرد صاحب قدرت می‌باشد (در پژوهش حاضر منظور اقتدار بیشتر فرد نظامی یا همان شوهر است). مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶ محاسبه نمودند. همچنین روایی این ابزار را با استفاده از محاسبه ضریب همبستگی با شاخص دمکراتیک بودن خانواده مورد تأیید قرار دادند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این مقیاس با روش الفای کرونباخ برابر ۰/۸۲ به دست آمد.

شاخص کیفیت زناشویی: شاخص کیفیت زناشویی^۳ (QMI) نورتون^۴ (۱۹۸۳) که یک

ابزار شش سؤالی است که کیفیت زناشویی را با به کارگیری عبارت‌های کلی مانند (ما یک ازدواج خوب داریم) می‌سنجد. آزمودنی درجه‌ی موافقت خود را در پنج سؤال پرسشنامه در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) نشان می‌دهد. در سؤال ششم که یک سؤال کلی است آزمودنی درجه‌ی موافقت خود را در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۱۰ (کاملاً موافق) ابراز می‌کند.

1. Kobasa Hardiness Measure
2. Perceived Stress Scale (PSS)
3. Quality of Marriage Index
4. Norton

کند (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹). فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی این ابزار را با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۶ برای هر دو گروه زنان و مردان گزارش کرده است. اسپچرمن - کروک^۱ (۲۰۰۱) پایایی این ابزار را با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۷ گزارش کرده است. در پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۹) نیز ضریب پایایی این ابزار با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۴ به دست آمد. همچنین روایی سازه‌ی این ابزار با استفاده از محاسبه همبستگی با ۱۰ سؤال مربوط به متغیر رضایت زناشویی در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این مقیاس با روش الفای کرونباخ برابر ۰/۸۸ به دست آمد.

برای تحلیل آماری از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. همچنین برای دستیابی به تفاوت‌های گروهی و پیش‌بینی عضویت گروهی و دستیابی به معادله ممیز، روش آماری تحلیل تشخیصی^۲ به کار گرفته شد. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۶ انجام گرفت. سطح معنی‌داری قابل قبول نیز، برابر $p=0/05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

جدول ۱ اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بین برای گروه زنان کیفیت زناشویی بالا و گروه زنان کیفیت زناشویی پایین را نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در متغیر تعارض زناشویی و ابعاد ساختار توزیع قدرت در خانواده، میانگین گروه زنان کیفیت زناشویی پایین بیشتر از گروه کیفیت زناشویی بالا و در متغیر تاب‌آوری برعکس است.

1. Schnurman- Crook
2. discriminant analysis

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دو گروه زنان کیفیت زناشویی بالا و پایین در متغیرهای پیش‌بین

متغیرهای پیش‌بین		زنان کیفیت زناشویی بالا		زنان کیفیت زناشویی پایین	
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
۹۶/۱۴	۲۱/۲۳	۱۲۴/۳	۲۲/۴۸	تعارضات زناشویی	
۶۲/۰۴	۱۴/۹۷	۴۹/۳۴	۱۲/۵۸	تاب آوری	
۳۳/۱۹	۸/۷۸	۴۱/۵۱	۸/۷۲	ساختار قدرت در خانواده	
۳۸/۷	۹/۲۵	۴۳/۸۵	۱۱/۵۹	حوزه و قلمرو قدرت	
۲۴/۸۵	۵/۵۲	۳۷/۳۲	۶/۰۱	شیوه‌های اعمال قدرت	

جدول ۲ خلاصه اطلاعات مربوط به تابع ممیز متغیرهای پیش‌بین به صورت تفکیکی را نشان می‌دهد. همان گونه که در جدول ۲ آمده است (هم در تحلیل ممیز به روش همزمان و هم روش گام‌به‌گام) با توجه به مقدار لامبدای کوچک و مقدار مجذور کای بالا و سطح معنی‌داری $P < 0/05$ ، تابع ممیز به دست آمده از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی عضویت گروهی (در دو سطح کیفیت زناشویی بالا و پایین) برخوردار است. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. با دقت در ردیف پیش‌بین عضویت گروهی آشکار می‌شود که تابع ممیز به دست آمده با روش همزمان به طور کلی ۸۹٪ افراد و با روش گام‌به‌گام نیز ۸۹٪ افراد به درستی طبقه‌بندی شده‌اند. به عبارت دیگر، قدرت پیش‌بینی تابع ممیز به روش همزمان و گام‌به‌گام ۸۹٪ است.

جدول ۲. خلاصه یافته‌های تابع ممیز متعارف به روش همزمان (۵ متغیر پیش‌بین) و گام‌به‌گام (۵ متغیر پیش‌بین)

اطلاعات مربوط به تابع ممیز	روش همزمان	گام‌به‌گام
تعداد تابع	۱	۱
مقدار ویژه	۲/۱۱	۲/۱۱
درصد واریانس	۱۰۰	۱۰۰
درصد تراکمی	۱۰۰	۱۰۰
همبستگی متعارف	۰/۸۲۴	۰/۸۲۴
مجذور اتا	۰/۶۷۸	۰/۶۷۸
لامبدای ویلکز	۰/۳۲۱	۰/۳۲۱
مجذور کای	۲۰۸/۳۸	۲۰۸/۳۸
درجه آزادی	۵	۵

جدول ۲. خلاصه یافته‌های تابع ممیز متعارف به روش همزمان (۵ متغیر پیش‌بین) و گام‌به‌گام (۵ متغیر پیش‌بین)

اطلاعات مربوط به تابع ممیز	روش همزمان	گام‌به‌گام
معنی‌داری تابع ممیز	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
مرکز واره داده‌ها گروه بالا	۱/۴۴	۱/۴۴
مرکز واره داده‌ها گروه پایین	-۱/۴۴	-۱/۴۴
پیش‌بینی عضویت گروهی	۰/۸۹	۰/۸۹
ضریب کاپا	۰/۷۹	۰/۷۹
معنی‌داری ضریب کاپا	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

همان‌طور که توضیح داده شد، با اجرای تحلیل ممیز به روش گام‌به‌گام و ارائه ۵ متغیر پیش‌بین، هر ۵ متغیر باقی ماندند که اطلاعات مربوط به این ۵ متغیر در جدول ۳ ارائه شده‌اند. در گام اول، مؤلفه‌ی شیوه‌های اعمال قدرت و سپس به ترتیب تعارضات زناشویی، مؤلفه‌ی ساختار قدرت در خانواده، مؤلفه‌ی حوزه و قلمرو قدرت و تاب‌آوری وارد تحلیل شدند که F برای هر پنج متغیر در سطح $p=0/05$ معنی‌دار است.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های تحلیل ممیز گام‌به‌گام همراه با لامبدای ویلکز ۵ متغیر پیش‌بین

مدل	وارد شده	لامبدای ویلکز	F دقیق			درجه آزادی ۳	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	آماره	درجه آزادی	
			درجه ۲	درجه ۱	درجه ۱					درجه ۲	
۱	شیوه‌های اعمال قدرت	۰/۷۰۵	۱	۱	۱	۱۸۶	۱	۲۱۹/۱	۱۸۶	۱	۰/۰۰۱
۲	تعارضات زناشویی	۰/۸۲۴	۲	۱	۱	۱۸۶	۲	۱۴۹/۱۳	۱۸۵	۲	۰/۰۰۱
۳	ساختار قدرت در خانواده	۰/۸۱۴	۳	۱	۱	۱۸۶	۳	۱۱۶/۲۶	۱۸۴	۳	۰/۰۰۱
۴	حوزه و قلمرو قدرت	۰/۹۴۳	۴	۱	۱	۱۸۶	۴	۹۲/۶۸	۱۸۳	۴	۰/۰۰۱
۵	تاب‌آوری	۰/۴۵۹	۵	۱	۱	۱۸۶	۵	۷۶/۹۱	۱۸۲	۵	۰/۰۰۱

ضرایب استاندارد، غیراستاندارد، ساختاری و طبقه‌بندی متغیرهای پیش‌بین تابع ممیز در روش همزمان و گام‌به‌گام در جدول ۴ ارائه شده‌اند که به ترتیب مؤلفه‌ی شیوه‌های اعمال قدرت و

تعارضات زناشویی بالاترین وزن تفکیکی را با متغیر گروهی نشان می‌دهند. ضرایب ساختاری تابع ممیز، ماتریس ضرایب همبستگی هر متغیر با تابع (نمره پیش‌بینی شده گروهی یا نمره ممیز) است. این همبستگی‌ها به عنوان همبستگی‌های متغیر متعارف یا بارهای ممیز نامیده می‌شوند. با استفاده از ضرایب غیراستاندارد، معادله تابع ممیز را می‌توان به دست آورد. بنابراین، با قرار دادن نمره هر فرد در متغیرهای مربوط در تابع، نمره فرد به دست می‌آید. لازم به ذکر است که تابع ممیز ممکن است با متغیری که بیشترین ارتباط را با آن دارد نام‌گذاری شود. با توجه به اطلاعات مندرج، می‌توان تنها تابع ممیز را مؤلفه‌ی شیوه‌های اعمال قدرت نام‌گذاری کرد.

جدول ۴. جدول ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش همزمان و

گام به گام

روش همزمان					پیش‌بین‌ها	
ضرایب طبقه‌بندی		ضرایب			متغیر	کد
گروه بالا	گروه پایین	ساختاری	غیراستاندارد	استاندارد		
۰/۱۷۷	۰/۲۲۶	۰/۴۴۵	۰/۰۱۷	۰/۳۶۹	تعارضات زناشویی	X _۱
۰/۴۱۲	۰/۳۶۹	-۰/۳۱۸	-۰/۰۱۵	-۰/۲۰۶	تاب آوری	X _۲
۰/۴۲۴	۰/۵۴۳	۰/۳۲۹	۰/۰۴۱	۰/۳۶۰	ساختار قدرت در خانواده	X _۳
۰/۴۴۲	۰/۵۰۶	۰/۱۷۰	۰/۰۲۲	۰/۲۳۵	حوزه و قلمرو قدرت	X _۴
۱/۰۵	۱/۴۳	۰/۷۴۷	۰/۱۴	۰/۸۲۰	شیوه‌های اعمال قدرت	X _۵
-۵۰/۶۴	-۷۳/۵	-	-۷/۹	-	عدد ثابت	
روش گام به گام						
۱/۰۵	۱/۴۳	۰/۷۴۷	۰/۱۴	۰/۸۲۰	شیوه‌های اعمال قدرت	X _۱
۰/۱۷۷	۰/۲۲۶	۰/۴۴۵	۰/۰۱۷	۰/۳۶۹	تعارضات زناشویی	X _۲
۰/۴۲۴	۰/۵۴۳	۰/۳۲۹	۰/۰۴۱	۰/۳۶۰	ساختار قدرت در خانواده	X _۳
۰/۴۴۲	۰/۵۰۶	۰/۱۷۰	۰/۰۲۲	۰/۲۳۵	حوزه و قلمرو قدرت	X _۴
۰/۴۱۲	۰/۳۶۹	-۰/۳۱۸	-۰/۰۱۵	-۰/۲۰۶	تاب آوری	X _۵
-۵۰/۶۴	-۷۳/۵	-	-۷/۹	-	عدد ثابت	

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه فشارهای بیرونی از جمله مشکلات محیط کاری و اجتماعی، کیفیت زندگی زوجها را تهدید می‌کند. این عوامل، باعث افزایش نارضایتی از روابط شده و احتمال طلاق را افزایش می‌دهد (بودمن و چینا، ۲۰۰۶). درک عوامل مرتبط با کیفیت زناشویی به ویژه در زوج‌های نظامی که تحت تأثیر شرایط شغلی خاصی هستند، حائز اهمیت است. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش تعارضات زناشویی، تاب‌آوری و مؤلفه‌های ساختار توزیع قدرت در خانواده به عنوان پیش‌بین‌های کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی بود. یافته‌ها نشان داد که هر پنج متغیر برای پیش‌بینی کیفیت رابطه زناشویی بالا و پایین این زنان، معنادار بودند. به عبارت دیگر، گروه‌های با کیفیت رابطه زناشویی بالا و پایین، به خوبی در همه متغیرهای پیش‌بین از هم متمایز شده‌اند. با توجه به ضرایب طبقه‌بندی متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان تعارضات زناشویی و مؤلفه‌های ساختار توزیع قدرت در خانواده و کاهش تاب‌آوری، میزان کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی کاهش می‌یابد. همان‌گونه که نشان داده شد ۸۹ درصد واریانس مربوط به کیفیت زناشویی به وسیله ترکیب ۵ متغیر پیش‌بین، تبیین می‌شود. از سوی دیگر، طبق نتایج حاصل از تابع ممیز برای متغیرهای پیش‌بین با روش گام‌به‌گام مشخص شد هر پنج متغیر و به ترتیب مؤلفه‌ی شیوه‌های اعمال قدرت و سپس به ترتیب تعارضات زناشویی، مؤلفه‌ی ساختار قدرت در خانواده، مؤلفه‌ی حوزه و قلمرو قدرت و تاب‌آوری از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین متغیر وابسته (عضویت گروهی کیفیت زناشویی بالا و پایین) برخوردار هستند و این پنج متغیر جمعاً ۸۹ درصد واریانس مربوط به کیفیت زناشویی را تبیین می‌کنند.

یافته‌ها نشان داد که تعارضات زناشویی، کیفیت زناشویی بالا و پایین زنان متأهل دارای همسر نظامی را پیش‌بینی می‌کند. به عبارت دیگر، گروه کیفیت زناشویی بالا و پایین به خوبی در متغیر تعارضات زناشویی از هم متمایز شده‌اند. نتایج این یافته‌ها با پژوهش‌های دلاتوره و همکاران (۲۰۲۲)؛ جاودان و همکاران (۱۳۹۷)؛ موسوی (۱۳۹۶) و واگنر و همکاران (۲۰۱۹) همخوان است. روابط صمیمانه و محبت‌آمیز جنبه مهمی از زندگی بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود (روزادو و واگنر، ۲۰۱۵) و کیفیت این رابطه نزدیک و صمیمانه، نقش مهمی در سلامت عاطفی و جسمی و

رضایت عمومی فرد دارد (بیچکوفسکی^۱، ۲۰۰۹). البته روابط بین اعضای خانواده و خصوصاً زوج ها همواره به صورت مطلوب نیست و آسیب‌هایی این روابط را تهدید می‌کند. یکی از عمده‌ترین مسائل در خانواده، بروز تعارضات زناشویی است (بابایی، ۱۳۹۷). تعارض زمانی رخ می‌دهد که زوج‌ها شاهد ناهمخوانی و ناهمسازی بین اهداف، انتظارات و نیازها یا امیال شخصی خود و همسرشان هستند (تولورونلکه^۲، ۲۰۱۴). تعارض زناشویی به اشکال مختلفی از جمله بدرفتاری با همسر، تجاوز به حقوق همسر، کژکاری در روابط جنسی با همسر، عدم احساس مسئولیت در قبال همدیگر، تحمیل رابطه جنسی، دیدگاه منفی نسبت به خویشاوندان همسر، مشاجرات مداوم برای تسلط بر یکدیگر و دیگر رفتارهای نامأنوس در زندگی زوجی نمایان می‌شود و تداوم این رفتارها غالباً منجر به پیامدهای منفی چون طلاق، پریشانی، نگرانی‌های شدید، مشکلات مربوط به فرزندان و اختلالات روانی مانند افسردگی و اضطراب و به طور کلی شکست در ازدواج می‌گردد (اسلامی^۳، ۲۰۱۶). وجود یا عدم تعارض به تنهایی عاملی نیست که کیفیت ازدواج را تعیین می‌کند، بلکه نوع تعاملات زوج‌ها و کیفیت مدیریت موقعیت‌های تعارض‌آمیز از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر زوج‌ها بتوانند به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آنها را داشته باشند، وجود تعارض آسیب‌زا نیست (سیفرت و شواترز^۴، ۲۰۱۱). با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان چنین برداشت کرد که زنان دارای همسر نظامی که کیفیت زناشویی بالایی دارند، نسبت به زنانی که کیفیت زناشویی پایین‌تری را گزارش کرده‌اند؛ تعارض زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند و احتمالاً راهبردهای حل تعارض بهتری را نیز به کار می‌بندند که نشان می‌دهد چالش‌های زندگی با یک همسر نظامی کیفیت زناشویی آنها را کاهش نداده است. این زوجین، همانند سایر زوج‌ها، تعاملات متعارض زناشویی را تجربه می‌کنند؛ رخدادی که در زندگی زناشویی، عادی و قابل انتظار به نظر می‌رسد. همچنین، باید اظهار کرد که این تعارضات همیشه منفی نیستند، بلکه می‌توانند کارکرد مثبتی در رابطه زناشویی داشته باشند. آنچه در این بین از اهمیت بالاتری برخوردار است، روشی است که زوج‌ها برای مدیریت اختلافات خود و خاتمه بخشیدن به تعارضات به کار می‌گیرند. انتخاب روش‌های سازنده، مسیر اختلافات و گفتگوهای پیرامون آنها را به سمت

1. Beachkofsky
2. Tolorunleke
3. Islami
4. Siffert & Schwarz

برخوردی مثبت و کارآمد هدایت کرده، و شانس بهبودی و پیشرفت در زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، زوج به سمت ارتقای کیفیت ارتباط خود حرکت می‌کنند. از طرف دیگر، در زنان دارای کیفیت زناشویی پایین؛ فقدان روش‌های مؤثر در مواجهه با شرایط و رویدادهای ناخوشایند و تنش‌آمیز رابطه‌ای و انتخاب راهکارهای مخرب در برخورد با تعارضات و اختلافات، می‌تواند تاثیر منفی بر رابطه زناشویی آنها داشته باشد و در نهایت، کیفیت رابطه زناشویی را به صورتی زیان‌بار کاهش دهد.

یافته‌ها نشان داد که تاب‌آوری، کیفیت زناشویی بالا و پایین زنان متأهل دارای همسر نظامی را پیش‌بینی می‌کند. به عبارت دیگر، گروه کیفیت زناشویی بالا و پایین به خوبی در متغیر تاب‌آوری از هم متمایز شده‌اند. نتایج این یافته‌ها با پژوهش‌های پناهی و فاتحی‌زاده (۲۰۱۴)؛ عیسی‌نژاد و حیدریان (۱۳۹۹)؛ عباسی و همکاران (۱۳۹۸)؛ سیهان و آیدوغان (۲۰۲۰)؛ بردلی و حجت (۲۰۱۷) و مطهری و همکاران (۱۳۹۲) همخوان است. تاب‌آوری عنصری است که منجر به تسهیل تحمل دشواری‌ها و کشمکش‌های زندگی زناشویی می‌شود و سازگاری زناشویی را ارتقا می‌دهد (لی^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). زوجینی که دارای سطوح بالاتر تاب‌آوری هستند، دارای انعطاف بالاتر، مواجهه منطقی و مسأله‌مدارتر بوده و به تبع آن، در مدیریت بحران‌های زندگی نه تنها جان سالم به در می‌برند، که به پختگی و بلوغ عاطفی دست می‌یابند. دستیابی به بلوغ عاطفی میزان کیفیت زندگی زناشویی را بهبود می‌دهد و سطح جدیدی از تعادل و رشد مثبت را در زوج‌ها به وجود می‌آورد. چون تاب‌آوری فرایندی پویاست که به متن زندگی وابسته است، بنابراین، وقتی متن زندگی، عاری از تعارض در نتیجه مهارت‌های تاب‌آورانه باشد، قابلیت‌های فردی و زوجی در همسران افزایش می‌یابد. در واقع، تاب‌آوری مشابه با مکانیسم و راهبردهای دفاعی سازگارانه به افراد در مواجهه و سازگاری با موقعیت‌های پرتنش کمک می‌کند و آنها را از آسیب ناشی از مشکلات زندگی مصون می‌دارد (خندان‌دل و کاویان‌فر، ۱۳۹۴). بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که زنان دارای همسر نظامی که کیفیت زناشویی بالایی دارند، نسبت به زنانی که کیفیت زناشویی پایین‌تری را گزارش کرده‌اند؛ تاب‌آوری بالاتری را تجربه می‌کنند که نشان می‌دهد در مواجهه با چالش‌های زندگی با همسر نظامی سرسختی و مقاومت بالاتری را نشان می‌دهند و

1. Li

کیفیت زناشویی آنها بالاتر بوده است. به نظر می‌رسد زنانی که همسران نظامی دارند، به دلیل تجربه شرایط ویژه شغلی همسر، برخورداری از ظرفیت مواجهه مؤثر با بحران‌ها و چالش‌های زندگی با چنین افرادی، اهمیت بالایی دارد. زنان تاب‌آور در مقایسه با زنانی که برخورداری اندکی از این قابلیت دارند، با در اختیار داشتن منابع لازم برای تحمل سختی‌های زندگی در کنار همسر نظامی خود و مواجهه با کشمکش‌های زندگی مشترک، در برابر چنین فشارهایی، از خود انعطاف نشان می‌دهند و خود را با تغییرات لازم سازگار می‌کنند. بنابراین، تاب‌آوری نقش چشمگیری در بهبود روابط زناشویی و ارتقای کیفیت زناشویی این همسران دارد.

یافته‌ها نشان داد که ساختار توزیع قدرت در خانواده، کیفیت زناشویی بالا و پایین زنان متأهل دارای همسر نظامی را پیش‌بینی می‌کند. به عبارت دیگر، گروه کیفیت زناشویی بالا و پایین به خوبی در متغیر ساختار توزیع قدرت در خانواده از هم متمایز شده‌اند. نتایج این یافته‌ها با پژوهش‌های خاکپور و همکاران (۱۳۹۴)؛ امانی (۱۳۹۴)؛ سلیمانی و همکاران (۱۳۹۴)؛ جعفرزاده‌پور (۱۴۰۰)؛ گافمن (۲۰۰۱)؛ سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) و زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۴) همخوان است. قدرت، متغیر اجتماعی مهمی است که باید در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد و حتی روابط بین افراد مورد توجه قرار گیرد. خانواده نیز از این امر مستثنی نیست و می‌توان نوع روابط قدرت در آن را مورد بررسی قرار داد (گروسی، ۱۳۸۷). نتایج حاضر نشان می‌دهد که هر سه بعد ساختار توزیع قدرت، کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی را پیش‌بینی می‌کند. در واقع، نتایج نشان می‌دهد هرچه ساخت قدرت در رابطه نامتقارن‌تر و به سمت محوریت مرد در اخذ تصمیمات باشد، هرچه میزان مجبورسازی زن از سوی مرد در شیوه اعمال قدرت بیشتر شود و هرچه اعمال قدرت در حوزه‌های بیشتری از امور زندگی مشترک صورت گیرد، میزان کیفیت زناشویی افت بیشتری خواهد داشت. بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که زنان دارای همسر نظامی که کیفیت زناشویی بالایی دارند، نسبت به زنانی که کیفیت زناشویی پایین‌تری را گزارش کرده‌اند؛ دوطرفه بودن قدرت در خانواده، تنوع بیشتر حوزه‌های اعمال قدرت دو طرفه و به کار بستن شیوه مجاب‌سازی به جای مجبورسازی بیشتر از سوی فرد صاحب‌قدرت؛ را بیشتر تجربه می‌کنند که نشان می‌دهد علیرغم داشتن همسر نظامی ساختار قدرت برابانه‌ای را ایجاد کرده‌اند.

در واقع می‌توان گفت، چگونگی توزیع قدرت و نحوه و حوزه اعمال آن در بین همسران نظامی، در شکل‌گیری احساس رضایت کلی از رابطه اثرگذار است. هرچقدر الگوی تشریک مساعی زن و شوهر در خانواده‌های نظامی به گونه‌ای باشد که قادر شوند به عنوان یک واحد در امور مختلف برنامه‌ریزی و عمل نمایند، کیفیت رابطه‌ای بالاتری را تجربه می‌کنند. مشارکت و حضور فعال و دوطرفه از جانب هر دو همسر در حوزه‌های متناسب و مرتبط، باعث کاهش تنش‌های رابطه‌ای و استحکام و بالندگی آن می‌گردد. وقتی اعمال قدرت با گفت‌وگو و مجاب‌سازی صورت پذیرد، مقاومت در برابر تصمیمات کاهش و توافق افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، شرایطی فراهم می‌گردد که زوجها از احساس مشارکت بیشتری در اداره امور زندگی برخوردار شوند و رابطه باکیفیت‌تری را تجربه کنند.

در نهایت، می‌توان اظهار داشت نتایج این پژوهش حاکی از اهمیت توجه متخصصان حوزه خانواده و زوج به عوامل دخیل در کیفیت زناشویی است. موارد شناسایی شده می‌تواند به عنوان عوامل بالقوه‌ای در نظر گرفته شوند که به نظر می‌رسد در کیفیت کلی روابط زوج‌ها نقش داشته باشند. این عوامل می‌تواند اهداف احتمالی مداخلات زوجی و خانوادگی جهت بهبود کیفیت زناشویی زوج‌های نظامی در نظر گرفته شود. مطالعه حاضر در زنان دارای همسر نظامی رسمی یکی از سازمان‌های نظامی مستقر در استان خوزستان صورت گرفته است. لذا احتیاط در تعمیم نتایج آن به سایر خرده‌فرهنگ‌ها و سایر استان‌ها ضروری است. ضمناً جهت بررسی جامع‌تر این موضوع، انجام پژوهشی ملی در سطح کلان پیشنهاد می‌گردد. همچنین، از محدودیت‌های مطالعه حاضر این بود که صرفاً به بررسی کیفیت زناشویی زنان دارای همسر نظامی پرداخت. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی وضعیت زناشویی زنانی که خود شاغل در نیروهای نظامی نیز هستند، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، مشاوران و درمانگران حوزه خانواده، نقش تعارضات زناشویی، تاب‌آوری و ساختار توزیع قدرت در خانواده را روابط زوجین، مورد تأکید قرار دهند.

فهرست منابع

- امانی، رزیتا (۱۳۹۴). مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۰ (۳۲): ۴۱-۵۲.
- بابایی، انسیه (۱۳۹۷). پیش بینی تعارضات زناشویی زنان در گیر خشونت خانگی براساس طرحواره‌های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی. روان پرستاری، ۶ (۵): ۱۶-۲۴.
- بخشی‌پور، مریم؛ آقاجانی مرساء، حسین؛ کلدی، علی رضا و حسینی، سید عباس (۱۳۹۸). الگوی توزیع قدرت در خانواده و طبقه اجتماعی زنان متأهل شهر تهران. رفاه اجتماعی، ۱۹ (۷۴): ۹-۴۶.
- ثنایی‌ذاکر، باقر (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران، انتشارات بعثت.
- جاودان، موسی؛ سماوی، عبدالوهاب و فرشاد، محمدرضا (۱۳۹۷). همبستگی تفاهم زوجین دارای تعارض با رضایت از زناشویی و نقش میانجی کیفیت زندگی. مدیریت ارتقای سلامت، ۷ (۵): ۵۴-۶۲.
- جعفرزاده پور، فروزنده (۱۴۰۰). ساختار قدرت و رابطه آن با ناپایداری خانواده (مطالعه ملی در جامعه‌ی ایرانی). پژوهش مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۲): ۱۳۹-۱۰۹.
- خاکپور، ایمان؛ نظری، علی محمد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۴). نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۹ (۳۰): ۷-۲۶.
- خجسته‌مهر، رضا؛ کرای، امین و رجبی، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج. فصلنامه مطالعات روان شناختی، ۶ (۱): ۱۳۵-۱۶۲.
- خندان‌دل، سحر و کاویان فر، حسین (۱۳۹۴). نقش اعتماد در روابط بین فردی و تاب آوری خانواده در رضایت زناشویی زوج‌های شاغل. آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۱ (۱): ۱۴-۳۱.
- دیویس، کنت (۱۹۹۹). خانواده: راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصص یآوری. ترجمه فرشاد بهاری. (۱۳۸۲). تهران: انتشارات ترکیه.
- زارعی توپخانه، محمد؛ جان بزرگی، مسعود و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۴). رابطه بین ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده با عملکرد خانواده. خانواده پژوهی، ۱۱ (۴۲): ۲۰۳-۲۱۸.
- سلیمانی، مریم؛ عظیمیان، ثریا؛ نظری، علی محمد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۴). رابطه ساختار قدرت خانواده، تعارضات زناشویی و سلامت روان در مردان بازنشسته اداره آموزش و پرورش استان البرز. مجله سالمندی ایران، ۱۰ (۴): ۸۰-۸۷.
- سهراب زاده، مهران؛ شعاع، صدیقه؛ موحد مجد، مجید و نیازی، محسن (۱۳۹۸). تبیین ارتباط انسجام خانواده و ساختار توزیع قدرت در آن (نمونه موردی زنان متأهل شهر شیراز). دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶ (۱۴): ۲۸۵-۲۶۱.

عباسی، منظر؛ سیاه کمری، راحله؛ نصرتی، رقیه؛ حیدری شرف، پریسا و طریقتی مرام، فاطمه (۱۳۹۸). رابطه کیفیت زندگی و تاب‌آوری با دلزدگی زناشویی معلمان زن شهر کرمانشاه. *رویش روان‌شناسی*، ۸ (۶)، ۸۶-۷۹.

عیسی‌نژاد، امید و حیدریان، منصور (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش تاب‌آوری بر بهبود کیفیت زندگی زناشویی و تاب‌آوری خانواده‌آزادگان (اسرای جنگی). *مجله طب نظامی*، ۲۲ (۵)؛ ۴۲۰-۴۱۰.

گروسی، سمانه (۱۳۸۷). بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان. *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، ۶ (۲)؛ ۲۵-۷.

مختاری، مریم و کردی‌پور، معصومه (۱۳۹۱). بررسی ساختار قدرت در خانواده بر حسب برخی ویژگی‌های فرهنگی در خانواده مورد مطالعه: زنان متأهل شهر آبدانان. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۷ (۲۰)؛ ۱۶۳-۱۳۳.

مردادی، زهرا و کشاورز افشار، حسین (۱۴۰۰). کیفیت زندگی، رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی در بین کارکنان نیروی انتظامی (پژوهش کیفی). *روانشناسی نظامی*، ۱۲ (۴۷)؛ ۴۴-۲۷.

مطهری، زهرا سادات؛ بهزادپور، سمانه؛ و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۲). تبیین سطح تعارض زناشویی بر اساس هیجان خواهی و تاب‌آوری در زوجین. *زن و مطالعات خانواده*، ۵ (۲۰)؛ ۱۲۲-۱۰۵.

منادی، مرتضی (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر بهبود زندگی خانوادگی. تهران: انتشارات آوای نور.

موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۶). ابعاد کیفیت زناشویی: بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های مولفه‌های تعامل و شیوه‌های حل تعارض زناشویی. *مشاوره کاربردی*، ۷ (۱)؛ ۸۱-۱۰۰.

مهدوی، محمدصادق و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱ (۲)؛ ۲۵-۶۵.

Beachkofsky, A. L. (2009). **Marital satisfaction: Ideal versus real mate**. Indiana State University.

Beam, C. R., Marcus, K., Turkheimer, E., & Emery, R. E. (2018). Gender differences in the structure of marital quality. **Behavior genetics**, 48 (3), 209-223.

Bodenmann, G., & Cina, A. (2006). Stress and coping among stable-satisfied, stable-distressed and separated/divorced Swiss couples: A 5-year prospective longitudinal study. **Journal of Divorce & Remarriage**, 44 (1-2), 71-89.

Bradley, J. M., & Hojjat, M. (2017). A model of resilience and marital satisfaction. **The Journal of social psychology**, 157 (5), 588-601.

Bulanda, J. R., Brown, J. S., & Yamashita, T. (2016). Marital quality, marital dissolution, and mortality risk during the later life course. **Social Science & Medicine**, 165, 119-127.

Ceylan, S. U., & Başpınar, A. (2022). Physical health and mental health of spouses of soldiers of non-garrison missions that cannot be taken with family and its effects on marital satisfaction. *Istanbul University Journal of Sociology*, 42, 65-90.

Chartrand, M. M., Frank, D. A., White, L. F., & Shope, T. R. (2008). Effect of parents' wartime deployment on the behavior of young children in military families. **Archives of pediatrics & adolescent medicine**, 162(11), 1009-1014.

- Cihan, H., & Aydogan, D. (2020). Relational resilience as a protective factor in marital adjustment of couples with cancer: A dyadic model. *Dusunen Adam*, **33** (3); 281-288.
- Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and anxiety*, **18** (2), 76-82.
- Crowley, A. K. (2010). The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction (Doctoral dissertation, Texas A & M University).
- Custer, L. (2009). Marital satisfaction and quality. *Encyclopedia of human relationships*, **2**, 1030-1034.
- Delatorre, M. Z., Wagner, A., & Bedin, L. M. (2022). Dyadic relationships between personality, social support, conflict resolution, and marital quality. *Personal Relationships*, **29** (1), 199-216.
- Dildar, S., Sitwat, A., & Yasin, S. (2013). Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*, **15**(10), 1433-1439.
- Fincham, F. D., Paleari, G., & Regalia, C. (2002). Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy. *Personal Relationships*, **9**, 27-37.
- Fincham, F., & Beach, S. R. (2007). Forgiveness and marital quality: Precursor or consequence in well-established relationships? *The Journal of Positive Psychology*, **2**(4), 260-268.
- Ha, T., Overbeek, G., Lichtwarck-Aschoff, A., & Engels, R. C. (2013). Do conflict resolution and recovery predict the survival of adolescents' romantic relationships? *PloS one*, **8** (4), e61871.
- Holz, N. E., Tost, H., & Meyer-Lindenberg, A. (2020). Resilience and the brain: a key role for regulatory circuits linked to social stress and support. *Molecular psychiatry*, **25**(2), 379-396.
- Islami, H. (2016). Marital Conflicts Resolution Styles. In *CBU International Conference Proceedings*, **4**, 569-572.
- Li, X., Ye, L., Tian, L., Huo, Y., & Zhou, M. (2020). Infertility-Related stress and life satisfaction among chinese infertile women: a moderated mediation model of marital satisfaction and resilience. *Sex Roles*, **82**(1), 44-52.
- Long, K. E. (2022). Married to the Military: An Examination of Work-Family Conflict and Marital Quality among United States Reserve Service Members (Doctoral dissertation, The Institute for the Psychological Sciences).
- Norton, R. (1983). Measuring marital quality: A critical look at the dependent variable. *Journal of marriage and the family*, **45**, 141- 151.
- Panahi, A., & Fatehizadeh, M. (2014). Studying the Relationship Between Factors of Psychological Capital and Marital Life Among Isfahanish Couples. *Quarterly Journal of Women and Society*, **5** (17), 139-156.
- Rosado, J. S., & Wagner, A. (2015). Qualidade, ajustamento e satisfação conjugal: Revisão sistemática da literatura. *Pensando Famílias*, **19** (2), 21-33.
- Schnurman-Crook, A. M. (2001). **Marital quality in dual-career couples: impact of role overload and coping resources** (Doctoral dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University).
- Siffert, A., & Schwarz, B. (2011). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*, **28**(2), 262-277.
- Tolorunleke, C. A. (2014). Causes of marital conflicts amongst couples in Nigeria: Implication for counselling psychologists. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, **140**, 21-26.

- Troxel, W. M. (2006). **Marital quality, communal strength, and physical health** (Doctoral dissertation, University of Pittsburgh).
- Wagner, A., Mosmann, C. P., Scheeren, P., & Levandowski, D. C. (2019). Conflict, conflict resolution and marital quality. **Paidéia (Ribeirão Preto)**, 29.
- Wen, Y., & Hanley, J. (2015). Rural-to-urban migration, family resilience, and policy framework for social support in China. *Asian Social Work and Policy Review*, 9(1), 18-28.

